

سیر تحول شهرسازی در مصر از ورود اسلام تا پایان فاطمیان

محمد محمدپور^۱ - فاطمه جان احمدی^۲

عباس برومند اعلم^۳ - مقصود علی صادقی^۴

چکیده

از آنجا که مسئله اصلی در این پژوهش بررسی سیر تحول شهرسازی در مصر تا پایان فاطمیان بود درصدد پاسخ به این سؤال اصلی بود که اساساً سیر شهرسازی در مصر دوره اسلامی به لحاظ بافت و کالبد چه تحولاتی را پشت سر نهاد؟ یافته پژوهش براساس روش توصیفی-تحلیلی نشان می دهد که یکی از تحولات عمده ای که اسلام با ورود به مصر ایجاد کرد در زمینه شهرسازی بود و با توجه به بنای شهرهای مختلف در مصر در دوره های مختلف اعم از فسطاط، عسکر، قطایع و قاهره عناصر متعددی اعم از مساجد جامع، محلات، دارالاماره، مدارس، حمام، بیمارستان، باغها و اماکن عمومی در این شهرها ساخته شد. و علاوه بر این در دوره شاهد شکل گیری دژشهرهایی همچون جیزه هستیم. هرچند عناصر شهری ساخته شده در فسطاط به علت ضرورت فوری برای اسکان نظامیان و به صورت خطی در مجاورت رود نیل پدید آمده بود که نتیجه آن مناطق مسکونی فشرده، معابر باریک، و دارالاماره های کوچک بود. اما با ساخت مناطق جدید «القطایع» و «العسکر» در دوره عباسیان و طولونیان تا حدودی از فشردگی کالبدی شهر کاسته شد و شهر توسعه یافت بطوریکه در طی دوره های مختلف بازارها و مساجد، بیمارستانها، باغها و سایر عناصر کالبدی شهر توسط امرای طولونی و اخشیدی در شهرها شکل گرفت. نقطه عطف تحول شهرسازی اسلامی در دوره فاطمیان اتفاق افتاد در این دوره جوهر فرمانده فاطمی با کمک مهندسان مستحکم با طرح ریزی مناسب به نام قاهره را بنا کرد تا مناسب برای خلیفه، ارتشیان و فرماندهان جنگی باشد. از تحولات ایجاد شده در ساختار شهری در این دوره علاوه بر کوچه ها و خیابانهای عریض و وجود قصرهای متعدد، حمام های بزرگ، کاروانسراها، بازارها، محله ها و مساجد متعدد است که هرکدام از این عناصر نسبت به شهرسازی دوره های گذشته به لحاظ وسعت و زیبایی در درجه بالاتری قرار داشتند.

واژه های کلیدی: فسطاط، قاهره، فاطمیان، مصر، شهرسازی اسلامی.

۱. m.mohammadpoor@modares.ac.ir

۲. f.janahmadi@modares.ac.ir

۳. abroomanda@yahoo.com

۴. msadeghi@modares.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

۴. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

اسلام همواره به عنوان مذهبی شهری مطرح بوده است از این رو، هم در دگرگونیهای شهرهای پیشین مؤثر افتاد و هم موجد برپایی و رشد شهرهای جدید با ساختار کالبدی مخصوص به خود شد. دین اسلام شاید تنها دینی باشد که در شهر شکل گرفت و توسعه آن با توسعه شهر در دوره‌های مختلف همبستگی مستقیم داشته و دارد و در واقع دین مبین اسلام با توجه به بیش و جهان بینی، نیازمند توسعه و گسترش شهرها بوده است. با بررسی تاریخ اقوام گذشته و دیگر پیامبران الهی که بخشی از آن در قرآن کریم آمده است، به خوبی می توان چهره شهرها را در تاریخ انبیا تبیین کرد. از مجموع آیات الهی در این کتاب چنین بر می آید که شهر اسلامی از تقدس خاصی برخوردار بود و باید در جهت گسترش امنیت شهروندان آن از هر نظر کوشید. خداوند متعال در دو نوبت در خصوص حرمت و امنیت شهر به شهر سوگند یاد می کند (بلد ۲، تین ۳، نمل ۹۱) در سوره بقره، آیه ۱۲۶، حضرت ابراهیم (ع) نعمت امنیت شهر را مشخصاً از پروردگار طلبیده است (بقره، ۲۶) علاوه بر آن ایدئولوژی اسلامی در ساختار کالبدی شهرها نیز تأثیر زیادی داشته است. این ساختار در طی دوره های مختلف، با روی کار آمدن حکومت‌ها و ایدئولوژیهای جدید، تغییرات و تحولاتی جدید به خود دیده است. در شهر اسلامی، پیوندی ناگسستنی بین زندگی مادی و معنوی وجود دارد؛ پیوندی تداعی کننده عدم جدایی بین شهروندی، اقتصاد و مذهب که در همجواری بازار و مسجد متجلی می شود. عنصر کالبدی مهم دیگر در اسلام محله است. شهرهای اسلامی از محلات متمایز چندی که بر اساس قومیت، مذهب، تجارت و یا کاربری به وجود آمده اند، تشکیل شده است و ساکنین محله به محله خود علاقه و وابستگی خاص دارند و نیز در شهر اسلامی، وحدت و وابستگی درونی به طور بی واسطه در معماری متجلی است. پس از فتوحات اسلامی در سرزمین های امپراطور روم شرقی و دولت ساسانی، ضرورت ایجاد پادگانها و شهرهای مسکونی برای فاتحان روشن گردید. به همین سبب نقشه مدینه النبی الگویی برای طراحی و ساختار شهرهای نو بنیاد مسلمانان همچون بصره، کوفه، فسطاط و.... بود.

شهرسازی مصر در دوره اسلامی تحول جدیدی را به صورت تدریجی تجربه کرد بطوریکه در سیر تکاملی شهرسازی اسلامی در مصر چهار نمونه شهرسازی در چهار دوره مختلف که از جهت تحول و تکامل در شیوه و الگوی شهرسازی قابل مطالعه است، دیده می شود. این چهار الگو در بنای شهرهای فسطاط، العسکر، قطایع و قاهره قابل مشاهده است. پس از فتح مصر توسط عمرو بن عاص در سال ۲۰ ق شهر فسطاط به شکل یک قلعه در دهانه استراتژیک دلتای رود نیل نزدیک شهر باستانی بابلیون (باب الیون) ساخته شد. این شهر به

واسطه این که در آغاز محل خیمه ها و خرگاه اعراب بود، به نام فسطاط خوانده شد. عمرو بن عاص به دستور خلیفه دوم شهر را طراحی کرد و در مرکز آن در ابعاد ۲۵ در ۱۵ متر مسجد و خانه های صحابه در اطراف آن ساخته شد و قبایل گوناگون مهاجر به مصر در مناطق اختصاصی خود مستقر شدند. به مرور زمان شهر توسعه پیدا کرد و خانه های چندین طبقه در آن ساخته شد در سال ۱۳۲ق بعد از سقوط امویان شهری به نام «عسکر» توسط صالح بن علی فرمانده عباسیان در کنار فسطاط ساخته شد که در مرکز آن مسجد جامع و یک قصر و چندین بازار بنا شده بود در سال ۲۵۸ق شهر جدید دیگری به نام «قطایع» مشابه به طرح سامرا توسط احمد بن طولون ساخته شد که با واگذاری اقطاعی به سرداران در مجاورت فسطاط و عسکر شهرسازی مصر دوره اسلامی در مسیر تکاملی قدم گذاشت. سرانجام در سال ۳۵۸ق جوهر سیسیلی فرمانده قوای فاطمیان به مصر لشکر کشید و فسطاط را فتح را کرد و شهر نوینی را به نام قاهره به عنوان پایتخت خلافت فاطمی بنیان گذاشت. در مرکز شهر مسجد جامع الازهر و عمارات دولتی و قصر خلیفه پیرامون آن ساخته شد و هر کدام از محلات قبایل دارای مسجد و بازار بودند بنابراین این تحقیق درصدد است تا با مطالعه سیر شهرسازی اسلامی در مصر به این سؤال اصلی پاسخ دهد که اساساً سیر شهرسازی در مصر دوره اسلامی به لحاظ بافت و کالبد چه تحولاتی را پشت سر نهاد؟ پرسش بعدی اینکه نقش حاکمان در دوره های مختلف در تحولات صورت گرفته در شهرسازی به چه صورت قابل ارزیابی است؟ بر این اساس تلاش خواهد شد با روش توصیفی اسنادی به گردآوری داده های تاریخی و با شیوه تحلیلی استنتاجی به پردازش این داده ها پرداخته شود تا به یافتن پاسخ پرسش های مطرح شده نائل آییم.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی در رابطه با سیر تحول شهرسازی در مصر از ورود اسلام تا پایان فاطمیان به رشته تحریر در نیامده است و پژوهشهایی که در این زمینه صورت گرفته است بصورت کلی بوده و یا بخشهایی از موضوع را مد نظر قرار داده اند از جمله این پژوهش ها می توان به «قاهره شهر هنر و تجارت» از گاستون ویت، «مدل سازی شهرهای سنتی اسلامی» نوشته نزار الصیاد، «المدارس فی عهد الایوبی بمصر» نوشته دکتر نعمان الطیب سلیمان، «حمامات القاهره ایام الزمان» از احمد ممدوح حمدی، «گنبدها و مناره های مصر» نوشته کاترین مایور- ژاوان، «حصارها و دروازه های شهر قاهره از بنیان تا پایان دوره صلاح الدین ایوبی» از سید جمال موسوی، حسین بیاتلو و محمدنور محمدی، اشاره کرد. این پژوهش درصدد است تا با

تعمق بیشتر در موضوع مورد مطالعه کمبودها و ضعف های موجود در این پژوهش ها حتی المقدور و با بررسی جزئیات رفع کند تا بتواند پژوهش قابل قبولی را ارائه دهد.

شکل و بافت شهرهای اسلامی مصر

شکل شهر فسطاط به علت همجواری با رود نیل حالت خطی داشت و بافت آن طرح دایره ای بود و عناصری همچون: مسجد بازار، دارالاماره و مناطق مسکونی کالبد درونی شهر را تشکیل می دادند (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۹۳-۲۱۵. مقریزی، ۲۲۵/۲). اما با ساخت قاهره در اطراف شهر فسطاط که مسافت زیادی با ساحل رود نیل و کوه المقطم داشت طرح شهر از شکل دایره ای قبلی در فسطاط، عسکر و قطایع که در آن راهها، خیابانها، مناطق مسکونی و کوچه ها بدون هیچ برنامه شهرسازی و به صورت آشفته و اتفاقی بهم جوش خورده بود، عدول کرد و شکل منظم و دایره ای متمایل به چهارگوش پیدا کرد (عنان، ۱۳۸۸، ۲۶). زیرا در قاهره علاوه بر اینکه از تجربیات ساخت مهدیه و منصوره دو پایتخت فاطمیان در مغرب که توسط عبیدالله مهدی (فخررازی، ۱۴۰۹، ۱۰۳) و منصور خلیفه فاطمی (چلونگر، ۱۳۹۰: ۵۹). در مغرب اسلامی ساخته شده بودند استفاده شد، با توصیفی که ناصر خسرو از کالبد درونی شهر می دهد، به نظر می رسد از نظرات طراحان شهری نیز استفاده شده باشد. ناصر خسرو در این باره می گوید «و تمامت سراهای قاهره جدا جدا نهاده است، چنانچه درخت و عمارت هیچ آفریده بر دیوارگیری نباشد و هر که خواهد هر که که بایش، خانه خود باز تواند شکافت و عمارت کرد که هیچ مضرتی به دیگری نرسد» (ناصر خسرو، ۱۳۸۹: ۸۰) هم چنین درباره عریض بودن خیابانهای پیرامون قصر می گوید «و قصر سلطان میان شهر قاهره است و همه حوالی آن گشاده که هیچ عمارت بدان نیپوسته است و مهندسان آن را مساحت کرده اند برابر شهرستان میافارقین است و گردبرگرد آن گشوده است و هر شب هزار مرد پاسبان این قصر باشند» (همان: ۷۷). بنابراین می توان گفت که بافت شهری فسطاط شکل دایره ای آشفته به خود داشت تا این که در دوره فاطمیان با ساخت شهر قاهره به صورت مهندسی و با طرح و برنامه قبلی در اطراف فسطاط توسط جوهر سردار فاطمی بافت شهر طرح منظم متمایل به مربع را به خود گرفت (عنان، ۱۳۸۸: ۲۶) که در این بافت از تمرکز و در هم تنیدگی مساجد، دارالاماره ها، مناطق مسکونی، خیابانها و کوچه ها کاسته شد. و بافت شهر به علت دارا بودن معابر عریض علاوه بر این که تأثیر زیادی بر روی پاکیزگی شهر داشت، عبور و مرور اشخاص و وسایل حمل و نقل را تسهیل می کرد. بعد از ساخت و شکوهمندی قاهره توسط جوهر سردار فاطمی در سال ۳۵۸ق فسطاط جزو بافت قدیمی شهر به شمار می آمد که به علت ازدیاد جمعیت و گسترش دامنه خط و تراکم خانه ها و امکانات شهری فاقد زیرساخت های لازم بود (امین، جان احمدی، ، شعبانی، ۱۳۹۶: ۲۸-۲۹). که

اکثراً توده مردم فقیر در آن سکونت داشتند اما در قاهره که دارای بافتی جدید بود محل سکونت خلیفه و نزدیکان او بود.

کالبد شهرهای اسلامی در مصر

در حقیقت تحولی که در حوزه شهرسازی اسلامی در اغلب سرزمین های اسلامی از جمله مصر اتفاق افتاد شکل گیری مسجد-شهر است بطوریکه مقدسی وجه تمایز شهر را با قریه یا روستا داشتن مسجد جامع در شهرها می داند و در شهرهای اسلامی کانون توجه شهری به سوی مسجد جامع و بعد از آن به بازار معطوف می شود بطوریکه علاوه بر شهرهای نو بنیاد اسلامی که عناصر مشخصه همه آنها داشتن مساجد جامع و بازار بود، در سایر شهرهای مصر نیز به منظور اسلامی سازی شهرها عناصر شکل دهنده مذکور به کالبد شهری افزوده شد. چنانچه در این دوره نیز مانند دوره های قبل در برخی از موارد بنا بر ملاحظات سیاسی و فرهنگی شهرسازی به سمتی پیش رفت که برای کانون توجه قرار دادن نهادهای خاص خود به ویژه مساجد دست به تخریب عناصر کلیدی در کالبد شهرهای قبل از اسلام در مصر زد بطوریکه در دوره برخی از والیان عباسی مانند علی بن سلیمان (۱۷۰-۱۷۱ ق) برخی از کلیساهای قبطی در مصر تخریب شد و به جای آنها مساجد جامع ساخته شد (کندی، همان: ۱۳۱. مقریزی، همان: ۱۰۹/۲) در دوره برخی از خلفای فاطمی از جمله الحاکم نیز به منظور شیعی سازی شکل شهرها برخی از کلیساهای قبطی در مصر تخریب شد (ابن خلکان، بی تا: ۳۹۳/۵-۳۹۴). اینک به تفصیل عناصر اصلی تشکیل دهنده شهرهای اسلامی در مصر می پردازیم.

مسجد جامع

یکی از آیین های مسلمانان ادای نماز جمعه در ظهر جمعه است، از این رو مسجد آدینه، رفته رفته به عنوان یکی از عناصر مهم و اساسی شهرهای اسلامی درآمد. عمرو بن عاص برای به دست گیری مشروعیت سیاسی خود بعد از تعیین مکان ساخت شهر فسطاط اولین مکانی که قبل از دارالاماره پدید آورد مسجد جامع در قلب شهر بود که به زیبایی این مسجد را بنا کرد و توصیف بزرگی و عظمت آن در گزارشهای مختلف تاریخی درج شده است. (ابن عبدالحکم، ۹۹). نیز مسلم بن مخلد هم وقتی در سال ۴۷ ق از طرف معاویه به ولایت مصر رسید اولین کاری که کرد تجدید بنای مسجد جامع عمرو و ساخت مناره در مساجد بود (ابن تغری بردی، همان، ۱۱۶). عبدالعزیز بن مروان هم که از والیان خوشنام اموی بود به هنگام نقل مکان به شهر حلوان مساجد با عظمتی در این شهر ساخت. (همان، ۱۷۳). در دوره والیان عباسی مساجد متعددی ساخته شد. یکی از این والیان ابوعون بود که مسجد جامع عسکر را در مجاورت فسطاط ساخت (همان، ۳۲۳) و نیز عبدالله بن طاهر

والی مصر از سوی مأمون عباسی در سال ۲۱۲ ق مسجد جامع عمرو را گسترش داد. (کندی، همان، ۱۶۵). و مهم تر از همه مساجد ی بود که در دوره طولونیان ساخته شد. احمد بن طولون مسجد جامع باشکوهی در قسمت بالای شهر فسطاط ساخت که زبانزد عامه بود (ابن تغری بردی، همان، ۲۱۱-۲۱۳) و علاوه بر آن مسجد جامع دیگری در بالای کوه المقطم توسط او ساخته شد. (یاقوت، همان، ج ۵، ۲۱۴). در دوره اخشیدیان نیز کافور اخشیدی مسجد جامع بزرگی برای اقامه نماز جمعه در جیزه ساخت. (مقریزی، همان، ج ۱، ۵۷۷). فاطمیان نیز در مصر مساجد متعددی ساختند. با ورود فاطمیان به مصر مساجد دیگری نیز ساخته شد. بطوریکه مسجد جامع الازهر در بدو ورود فاطمیان به مصر توسط جوهر فرمانده فاطمیان در قلب شهر نوبنیاد فاطمیان ساخته شد. از آنجا که تعلیم اندیشه اسماعیلی سری بود و مدارس محل تعلیم عمومی بود که ماهیت آنها آشکار بود، اسماعیلیان مدرسه ای را برای تعلیم اندیشه خود تأسیس نکردند و تعالیم اسماعیلی بیشتر در مساجد صورت می گرفت. جامع الازهر، جامع عمرو بن عاص و جامع الحاکم از مساجدی بودند که برخی از علمای شیعه در آنها به امر تعلیم اندیشه اسماعیلی می پرداختند (الطیب سلیمان، ۱۴۰۲: ۷۴۹). به منظور اسلامی سازی فضا و کالبد شهرهای پیشین مصر بنای مساجد جامع در سایر شهرهای مصر نیز توسط والیان، حاکمان و خلفای مصر صورت گرفته بود. چنانچه در اکثر شهرهای مصر مانند عین شمس، قوص، فیوم، قرافه، بهنساء و تنیس مساجد جامع بزرگی در قلب آن شهر بنا شده بود. (همان، ۱۹۳-۲۱۵). علاوه بر مساجد جامع که مراسم نماز جمعه در آن خوانده می شد مساجد دیگری نیز در نقاط مختلف شهرهای مصر پدید آمده بود. زیرا افزایش سالانه ورود فرقه ها و خاندانهای مختلف به مصر که در اثر مهاجرت و یا تغییر حکومت، که عمدتاً از فرقه های تسنن، تشیع اسماعیلی و تشیع اثنی عشری بودند و به تبع آن شکل گیری خطط و حاره که به معنای امروزی محله نام داشت ضرورت ایجاد مسجد برای هر یک از این قومیت های مذهبی را ایجاب می کرد. چنانچه با ورود والیان اموی، عباسی، طولونی و اخشیدی که متشکل از لشکریان متنوعی از ایرانیان و یا ترکان بودند مسجد سازی در درون محله های نوبنیادی که برای آنها ساخته شده بود اتفاق افتاد در دوره فاطمیان نیز علاوه بر بنای مساجد جامع مساجد دیگر نیز بنا شد از جمله این مساجد می توان به مسجد الاقمر اشاره کرد که در سال ۵۰۳ ق و مسجد صالح طلائع که در سال ۵۳۸ ق و مسجد امام حسین (ع) که در سال ۵۵۳ ق بنا شدند (اتینگهاوزن، گرابار، ۱۳۷۸: ۲۳۷. ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). مطلب دیگری که در رابطه با بنای مسجد جامع در دوره فاطمیان به نوعی تازگی داشت بنای آن در بیرون از دروازه های شهر و در کنار آرامگاهها بود. به نظر می رسد هدف فاطمیان از این کار قدسیت

بخشیدن به آرامگاههای مربوط به خاندان خلافت و یا بازماندگان خاندان اهل بیت (ع) مانند آرامگاه سیده زینب (ص) در مصر بود و از طرف دیگر بعنوان عبادتگاه سلطنتی نیز کاربرد داشت. چنانچه دومین مسجد جامع بزرگ فاطمیان به نام «الحاکم» در بیرون دروازه های شهر در مجاورت آرامگاهها ساخته شد. این مسجد در سال ۳۸۰ق به دستور العزیز بالله خلیفه فاطمی آغاز شد و در سال ۳۸۱ق او در مسجد نیمه کاره نماز جمعه برپا کرد. از آنجا که پس از وی پسرش، حاکم بامرالله در سال ۳۹۳ق بنای آن را تکمیل کرد این مسجد به نام «مسجد الحاکم» شهرت یافت. این مسجد با توسعه حصار قاهره در دوره المستنصر در درون حصار قاهره قرار گرفت (مقریزی، همان، ۲/۲۷۷).

بازار

بازار در شهرهای سنتی سرزمین های اسلامی، دارای ویژگیهای منحصر به فردی است که آنها را از شهرهای سایر حوزه های فرهنگی جدا می سازد (سجادی، جنگی، صفامقدم، ۱۳۸۹: ۷۲). بازار در شهر اسلامی به منزله مرکز مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و در قلب شهر عمل می کند و بیش از سایر عناصر و عوامل جغرافیایی و شهری، شایان توجه است. بازار در شهرهای اسلامی از چنان اهمیت خاصی برخوردار است که باید آن را بعنوان یک واحد و نظام اجتماعی، اقتصادی و مذهبی مطالعه کرد. باید گفت که بازارهای سنتی مسقف یکی از دستاوردهای تمدن و فرهنگ اسلامی است که نه در مشرق زمین نظیری داشت و نه در یونان و روم قدیم و نه در اروپای قرون وسطی (همانجا) عمر و عاص نمونه بارز یکی از این والیانی بود که برای بهره برداری و استفاده بیشتر از موقعیت اقتصادی و تجاری مصر تلاش زیادی انجام داد. احداث و توسعه بازارهای متعدد و پررونق که به مثابه مرکز اقتصادی شهر محسوب می شدند گویای این مطلب است. بر این اساس می توان گفت از دیگر مشخصه های شهری در مصر دوره اسلامی بنای بازار بود. چنانچه عمرو بن عاص بعد از بنای مسجد جامع با احداث بازارهای مهم در بخش عظیمی از فضای مرکزی شهر فسطاط در صدد توسعه تجارت شهر بود، بازار وردان و بازار آرد فروشان نمونه بازارهای احداث شده در فسطاط توسط او بود. (سیوطی، همان، ۷۹) و یکی از مهم ترین تحولات بازارهای مصر شکل گیری بازارها در فضاهای پرتراکم مانند مساجد بخصوص مساجد جامع بود. زیرا از آنجا که مساجد اساس اصلی حاکمیت اسلامی به شمار میرفت در مراکز اصلی شهرها یعنی در کهنه شهر پدید می آمد و شکل گیری بسیاری از بازارها در مجاورت این مساجد علاوه بر پیوند اقتصاد با مذهب در توجیه آن، به علت پرتردد بودن این مسیر در مواقع انجام فریضه نماز به خصوص در روزهای جمعه شرایط مناسبی را برای دادوستد بازاریان فراهم می کرد. بازار اکثر شهرهای مصر مانند عین شمس،

قوص، فیوم، قرافه، بهنساء و تیس در مجاورت مساجد جامع و سایر مساجد پدید آمده بود. (مقدسی، همان، ۱۹۳-۲۱۵) علاوه بر این گاهی این بازارها به علت تولیدات انبوه و ضرورت ایجاد مکانی برای عرضه آنها، چنان فراخ و گسترده می شد که طول این بازارها تا بخش وسیعی از شهر امتداد پیدا می کرد و باعث رونق اقتصادی شهر می شد. بازار بزرگ فسطاط چنین مشخصه ای داشت. بطوریکه هنگام اتمام نماز بازار شهر پر از جمعیت می شد. (همان، ۲۰۲) در دوره طولونیان نیز در شهر جدید قطایع بازارهای پر رونقی بین مسجد جامع عمرو بن عاص و مسجد جامع ابن طولون شکل گرفت (همانجا). این مسیر پرتددترین مسیر شهر در دوره طولونیان بود و دادوستد در آنجا رونق فراوانی داشت. طولونیان که از اقتصاد تجاری مصر بهره های زیادی می بردند علاوه بر احداث بازار انبارهایی نیز برای ذخیره محصولات تولیدی و صنعتی ایجاد کرده بودند. (ابن تغری بردی، همان، ۳۲۳). با تأسیس قاهره توسط جوهر صقلی که براساس یک طرح مهندسی شده بود بازار مهم شهر در کنار مسجد جامع الازهر بنا شد به نظر می رسد بازار بنا شده در قاهره دوره فاطمیان پهنا و درازای عظیمی را از مرکز شهر تا بیرون از دروازه های شهر را شامل می شده است، بطوریکه طبق گزارش ناصر خسرو شهر قاهره دارای بیست هزار دکان که در تحت تملک سلطان قرار داشت، بوده است و این مسئله نشانگر عظمت شگفت انگیز بازار قاهره بوده است (ناصر خسرو، همان: ۶۱-۶۴) علاوه بر بازار مرکزی قاهره بازار های دیگری در حفاصل این شهر با فسطاط در خارج از حصار شهر یعنی در ربض شهر ایجاد شد علت بنای این بازارها به علت قحطی هفت ساله دوره المستنصر بالله (۴۲۷-۴۸۷ق) که منجر به تخریب خانه های فسطاط شد بود. و در نتیجه در دوره خلافت آمر (۴۹۵-۵۲۵) خانه هایی به همراه بازارهای متنوع برای مردمی که خانه های خود را از دست داده بودند بنا شد. در این بازارها بزرگان، داروفروشان و قصابان حجره هایی برپا کرده بودند (ویت، ۱۳۶۵: ۳۹-۴۲). اماکن معروفی مانند گنبد اسکندریه و کناره های برخی از سواحل به علت تمرکز شدید جمعیت محل مناسبی برای بنای بازارها به شمار می رفتند. بطوریکه بازار اسکندریه در کنار گنبد اسکندریه. (ابن رسته، ۱۳۶۵، ۱۳۶-۸) و بازار شهر بهنسا با قرار گرفتن در مجاورت ساحل دریاچه فیوم (ابوالفدا، ۱۳۹۲، ۱۵۷) از دادوستد پر رونقی برخوردار بودند. ساخت بازارهای مسقف تحولی جدید در سیر تحول آن بوجود آورد چنانچه حربن یوسف از والیان اموی در سال ۱۰۷ق در ادامه طرحهای عمرانی خود در فسطاط بازار مسقفی را در جانب پل این شهر بنا کرد (ابن تغری بردی، ۳۲۹/۱) با رشد فضاهای شهری و نیز رشد تولیدات صنعتی، دامی و کشاورزی در مصر فضاهای بازارها (راسته ها) نیز رشد یافت و کالاهای عرضه شده در آن نیز متنوع تر شد. بطوریکه این مسئله در بازارهای شهر فسطاط (مقریزی، همان، ۲، ۸۷ و ۸۸. ابن تغری بردی، همان، ۱،

۳۴۰۱۲۲)، اسکندریه (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۰، ۸۲)، تیس (قبادیانی، ۱۳۸۱، ۵۰-۵۱) و قلزم (مقدسی، همان، ۱۹۷) در آن دوران مشاهده می شود.

محلّه

ساده ترین تعریف از محلّه را می توان چنین بیان داشت: محلّه ها سکونتگاه گروههای قومی، نژادی، مذهبی و صاحبان پیشه های مختلف بوده است. تعریف دیگر محلّه عبارت است از بخش کوچکی از شهر یا آبادی که ساکنین آن در برخی از هدف های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قومی، دینی و مذهبی و یا صاحبان حرف و پیشه و حتی مبدد شهری و روستایی مشترک باشند. بخش مسکونی شهر را محلّه ها تشکیل می دهند که ساختار ویژه ای دارند و در حقیقت شهر اسلامی را می توان مجموعه ای مناطق و محلات متجانس و همگن دانست. گروههایی که در این محلات می زیسته اند، هویت، مذهب و قومیت خود را برای قرن ها همچنان حفظ کرده اند. جدایی بین این مناطق و یا مجموعه محلات شهر اسلامی بسیار قوی است. اهالی هر محلّه با زبان، مذهب، حرفه، فامیل و اصل و نسب واحد و مشترک کنار یکدیگر زندگی می کرده اند. محلات شهرهای اسلامی، در ساختار خود از وحدت جغرافیایی خاصی برخوردارند. بن بست ها، کوچه ها، گذرگاهها و مراکز محلات با عناصر عمومی دست به دست هم داده و به محلات موجودیت می بخشند. هریک از این اجزاء دارای ویژگیهای خاص خود هستند که از جهت بافت سنتی شهرها، دارای اهمیت به سزایی می باشند (خیرآبادی، ۱۳۷۶: ۱۰۷)، وجود محلّه در مصر دوره اسلامی امر مسلمی بوده است. بطوریکه مترداف آن یعنی «خطط»، جمع خطه یکی از پرکاربردترین اصطلاحات جغرافیایی و تاریخی در شمال آفریقا و مصر بوده است. در فرهنگ های عربی، خطه، قطعه زمین یا خانه ای دانسته شده است که مسلمانان با اجازه حاکم خویش، در زمین غیر مملوکه، آباد و بنا می کنند و آن محل را سکنی خویش قرار می دهند؛ نظیر آنچه که در عصر فتوح اسلامی با کوفه، بصره و بغداد کردند به بیان کلی تر «زمینی است که انسان، پیش از آنکه وارد آن شده باشد، در آن فرود آید و ساکن گردد» (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۸۸/۷-۲۸۹) و تعریف دیگر درباره خطط این است که «و آن جمع خطه و به معنای محلّه و یا قطعه زمینی است که تعیین حدود و نشانه گذاری شده باشد» (حاجی خلیفه، ۱۴۱۹: ۲۹۲/۱). تعریف مقریزی در این رابطه، تاریخی تر و کامل تر است: «معروف است که خطه، قطعه زمینی است که انسان در آن سکونت اختیار می کند. معنای آن محلّه ای است که به هنگام بنا و آبادانی شهرهای جدید، یک قبیله، یا صاحبان یک حرفه خاص و یا طایفه ای از مردم در آن می شدند و آن محلّه به آنها اختصاص می یافت». (مقریزی، همان: ۲۹۶/۱).

در هر صورت ایجاد خطط در مصر دوره اسلامی با فتح آن و استقرار قبایل جنگجوی عرب در منطقه ای نو بنیاد به نام فسطاط و جیزه، به صورت همزمان از سال بیست هجری آغاز شد. عمرو بن عاص فاتح مصر و سردار سپاه عرب، برای هریک از قبایل یا چند قبیله با یکدیگر، خطه ای اختصاص داد که به نام یکی از همان قبیله ها شناخته می شد. این خطط، به طور کلی در اطراف مسجد جامع و دارالاماره ای که عمرو بن عاص در فسطاط بنا کرد، پدیدار شدند و به تدریج توسعه یافتند؛ بدین ترتیب، خطه های مختلف در کنار یکدیگر زمینه تشکیل نخستین شهر عربی-اسلامی را در مصر فراهم آوردند. از سوی دیگر، ایجاد خطط، نشان دهنده تنوع طوایف و قبایل عربی و در حقیقت، روند یکجانشین شدن اعراب بود. با انتخاب محل اسکان، هریک از قبایل و افراد نام آشنای عرب شروع به حدود گذاری خانه و زمین برای افراد قبیله و خاندان خود در بخش های خاصی از محل ساخت شهر پرداختند. وجود خطه هایی برای قبایل قریش، انصار، بنی اسلم، غفار، جُهینه و خزاعه نشان دهنده این مسئله است (ابن عبدالحکم، همان، ۱۲۹) و نیز محله هایی برای آل زبیر و وردان آزاد کرده عمرو ساخته شد (بلاذری، ۱۴۰۴: ۳۰۵) شد. خطه دیگر متعلق به سربازان باذان، عامل ایرانی کسری در یمن بودند که بعد از فتح یمن اسلام آورده و سپاهیان اسلام را در جریان فتوحات همراهی می کردند و خطط الفارسیین نام محله اسکان آنها در شهر فسطاط بود (ابن دقماق، بی تا: ۳) به اینها باید عده ای از قبایل ساکن در روم به نامهای بنوینته، بنولازرق و بنی روبیل و شماری از یهودیان مسلمان شده را نیز افزود، در فرایند ساخت شهر فسطاط محله هایی مخصوصی که برای سکونت آنها در نظر گرفته شده بود به خطط موالی های سه گانه معروف بود (ابن عبدالحکم، همان، ۱۲۹). گسترش محله ها در شهر فسطاط در دوره های متوالی تداوم داشت بطوریکه معاویه در سال ۵۳ ق حدود ۱۳۰ خانوار از ازدی ها را به مصر گسیل داد، علت انتقال آنها شورش علیه حاکم بصره بود و مسلم بن مخلد حاکم مصر آنها را در خطه الظاهر فسطاط جای داد. (همان، ۲۹۸).

در دوره والیان عباسی نیز به محله های فسطاط افزوده شد بطوریکه ابوعون یکی از والیان عباسی فرمان ساخت دژ عسکر را برای استقرار سپاهیان صادر، و رفته رفته ساختمانها و خانه های زیادی در این مکان ساخته شد (همان، ۳۲۳). با تشکیل شهر «القطایع» در نزدیکی غرب فسطاط به دست احمد بن طولون در نیمه قرن سوم هجری، ساختار جدیدی در نظام شهری به وجود آمد. وی «القطایع» را به صورت چندین «قطعیه» یا بخش تشکیل داد و بردگان و لشکریان و غلامانش را در آنها سکونت داد و برای هر طایفه ای یک «قطعیه» قرار داد (مقریزی، همان: ۸۱/۲-۸۵)

با فتح مصر از سوی فاطمیان و ورود آنها به مصر به فرماندهی جوهر سیسیلی در سال ۳۵۸ ق و تأسیس شهر جدید «قاهره» به وسیله او بعنوان پایتخت خلفای فاطمی و محل استقرار نظامیان فاطمی که از مغرب به مصر آمده بودند، مرحله جدیدی در زمینه ساختار شهری آغاز شد. با استقرار فاطمیان در قاهره، اصطلاح تازه «حاره» که مترادف دیگری از محله بود و در تاریخنگاری محلی و خطط نویسی مصر حائز اهمیت است، این اصطلاح برای توصیف و بیان بخش های مختلف مناطق مسکونی مشهور که به نام قبایل و گروههای مختلف لشکریان فاطمی ساکن در آن بود، استفاده کردند؛ مانند حاره برجوان، حاره کنامه، زویله، برقیه، باطلیه، الروم البرانیه و الروم الجوانیه (ناصر خسرو همان: ۸۱-۸۸). هر «حاره» در قاهره، مثل هر «خطه» در فسطاط و هر «قطعیه» در القطایع، به اسم جماعت، یا قبیله و خاندانی که ساکن آن بود، نامگذاری و بدان معروف می گشت. حاره ها و محلات مسکونی قاهره در محیط بیرونی آن قرار داشت اگرچه مقیاس ساخت در این مکان با مرکز شهر بسیار متفاوت بود در اصل ۲۰ حاره وجود داشت که هر کدام به یکی از قبایل تشکیل دهنده لشکر فاطمیان اختصاص داشت (الصیاد، قیومی، ۱۳۸۷: ۶۱) به عنوان مثال حاره برجوان منسوب به برجوان از دولتمردان دوره العزیز و الحاکم بود. حاره جوذریه منسوب به گروهی از نظامیان دوره الحاکم بود که در این منطقه ساکن بودند و حاره وزیریه منسوب به یعقوب بن کلس وزیر العزیز بود و نیز حاره محمدیه منسوب به گروهی از نظامیان فاطمیان بودند که در این محله ساکن بودند (مقریزی، خطط: ۳/۶-۳). گسترش محله ها در طول دوره فاطمی تداوم داشت بطوریکه به دنبال قحطی دوره المستنصر و خرابی خانه های اهالی فسطاط در دوره آمر باحکام الله محله هایی در فاصله بین فسطاط و قاهره برای استقرار نظامیان توسط بدرالجمالی وزیر خلیفه ساخته شد (ویت، ۱۳۶۵: ۳۹-۴۲).

از آنجا که بنای شهر فسطاط به صورت اتفاقی و بدون برنامه ریزی منظم شهر سازی صورت گرفته بود وجود ساختمانهای بلند و چند طبقه به صورت نامنظم و پراکنده، کوچه ها و خیابانهای کم عرض و تنگ فضای کالبدی نامتجانسی را به لحاظ مناطق مسکونی برای ساکنان آن فراهم کرده بود در زمان ناصر خسرو ارتفاع برخی از ساختمانها به چهارده طبقه نیز می رسید و همین امر از دلایل شیوع گرما و آلودگی در فسطاط به شمار می رفت (امین، جان احمدی، شعبانی، همان: ۲۲-۲۵). ناصر خسرو به مشکلات تردد در کوچه های تنگ فسطاط بخصوص برای حاملان آب نیز اشاره کرده است. بطوریکه به گفته او در نهایت سقایان متخصص برای عبور از کوچه های تنگ و باریک در نظر گرفته شدند که با زحمت زیاد آب را به منازل مردم حمل می کردند (ناصر خسرو، همان: ۷۹ و ۹۴). اما در مقابل خانه های مستقر در قاهره کم ارتفاع و دارای کوچه و

خیابانهای عریض در مجاورت خود بودند چنانچه ناصر خسرو در دیدار خود از قاهره، در زمان فاطمیان، از خانه‌ای چهار طبقه یاد می‌کند که از آجر و گچ و سنگ ساخته شده بود. وی همچنین توضیح داده که تمام سراهای قاهره جداگانه ساخته شده، چنان‌که درخت و عمارت هیچ‌کس بر دیوار عمارت دیگری بنا نشده است (امین، جان احمدی، شعبانی، همانجا) و بر بام طبقات، باغچه درست کرده‌اند. نیز از حجره‌هایی می‌گوید که کرایه می‌دادند و جمعیت زیادی در آن جای می‌گرفت (همان، ۸۰). در دوره فاطمی، کاخ‌ها در بخش مرکزی قاهره و مساکن برگزیدگان شهر در سایر محلات قرار داشت.

گزارش‌های متعددی درباره کالبد و مصالح خانه‌ها وجود دارد چنانچه مقدسی از خانه‌های عباسیه در مصر نام می‌برد که با آجر و گل و بالکن‌هایی از چوب ساخته شده بود. وی بناهای اسکندریه را از سنگ رخام و خانه‌های فسطاط را چهار تا ده طبقه ذکر کرده است که روشنایی آن‌ها از روبه‌رو تأمین می‌شد (مقدسی، همان ۲۰۲-۲۱۵). در فسطاط در دوره امویان، هر خانه حداقل یک حیاط اندرونی با مجاری آب داشت (هواگ، مارتن، ۱۳۸۴: ۱/۶۴). قدیم‌ترین آثار به دست آمده از خانه‌ها در فسطاط متعلق به دوره طولونیان در قرن سوم است که روی دیوارهایش تزیینات گچ‌بری بوده است

در مهم‌ترین جناح این خانه‌ها یک ایوان در وسط و دو حجره در دو طرف ایوان قرار داشت که تقلیدی از منازل ایرانیان در دوره ساسانی و عباسیان در سامرا بود. در طبقه همکف این خانه‌ها زندگی روزمره و پذیرایی از مهمان در طول روز جریان داشت. حیاط در وسط خانه، و در وسط حیاط، حوض بود. در جناح دیگر خانه، ورودی اصلی با دهلیزی به شکل زاویه قائمه به حیاط راه می‌یافت. پلکانی نیز برای دسترسی به طبقات بالا که حریم و محل خواب بود، و نیز آشپزخانه‌ها درون حیاط تعبیه می‌شد. خانه‌های چهار ایوانی در دوره طولونیان ظهور کرده است (شافعی، ۱۹۷۰: ۱/۴۲۷-۴۵۹).

علاوه بر آن در کاوش‌های باستانی در فسطاط، خانه‌هایی با یک و دو حیاط (یکی برای مهمان و دیگری برای زنان خانه) کشف شده است (petherbridge, 1984, 1/198-199).

خانه‌های مجلل در این شهر معمولاً دو بخش داشت: یکی، دیوان‌خانه یا محل پذیرایی از مهمانان مرد و دیگری، حرم که ویژه مهمانان زن و حریم اعضای خانواده بوده است. در فسطاط هم‌زمان با تغییر فصل، سکونت در اتاق‌ها تغییر می‌کرد. تابستان‌ها از ایوان به‌دلیل‌رو به شمال بودن، به عنوان اتاق پذیرایی و نشیمن استفاده می‌کردند (افشار، ۱۳۸۶: ۱/۳۷-۳۷۲). در تمامی خانه‌های کشف شده دوره فاطمیان در فسطاط، ایوان‌های باز یا دو تالار دراز به موازات یکدیگر به حیاط مرکزی باز می‌شدند (همان، ۱۳۸۶: ۱/۸۰).

دارالاماره (کاخ) و قصر

کاخ و قصر نماد حاکمیت بود. اکثر کاخهای شهرهای اسلامی مشتمل بر ناحیه ای بود که دارای مسجد، باغها، و دیوان خانه های ساکنان خودش بود و معمولاً در قلب شهر قرار داشت بنابراین یکی از بناهای مهم در شهرسازی اسلامی در مصر کاخ سازی بود. عمروعاص علاوه بر ساخت مسکن برای رزمندگان اسلام دارالاماره ای برای خود و خاندانش که دارالکبیر نامیده می شد، احداث کرد (ابن عبدالحکم، همان، ۹۶). علاوه بر این دارالاماره های دیگری نیز برای والیان مصر در دوره های مختلف ساخته شد بطوریکه قیس بن سعد والی امام علی (ع) بعد از ورود بهاز مصر دارالاماره ای برای خود ساخت که به دارالفضل معروف بود (همان، ۹۸). عبدالعزیز بن مروان والی اموی مصر به هنگام مهاجرت به شهر حلوان به علت شیوع طاعون در فسطاط برای خود در این شهر دارالاماره بزرگی ساخت (ابن تغری بردی، همان، ۳۲۳). و نیز در دوره عباسیان، ابوعون والی عباسی به هنگام فتح این سرزمین دالاماره جدیدی در شهر عسکر در مجاورت فسطاط احداث کرد و قصرهای دیگری نیز در منطقه جدید قطایع در فسطاط توسط احمد بن طولون و فرزندش خمارویه ساخته شد. (سیوطی، همان، ۲۷) احمد بن طولون میدان بزرگی برای قصرش قرار داد. در محل بنای قاهره قبل از شکل گیری آن قصری به نام شوک وجود داشت (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۹/۳) که احتمالاً به عنوان استراحت گاه والیان مصر کاربرد داشته است. کاخ سازی در دوره فاطمیان وارد مرحله جدیدی شد. گسترش وسعت ارضی و نیز بنای کاخهای دیگری در درون آن از جمله کاخ زنان و خاندان سلطنتی از جمله تغییرات عمده در عرصه کاخ سازی در این دوره بود. ناصر خسرو در باره بزرگی و عظمت آن می گوید «قصر سلطان میان شهر قاهره است و همه حوالی آن گشاده، که هیچ عمارت بدان نپیوسته است و مهندسان آن را مساحت کرده اند برابر شهرستان میافارقین است و گرد بر گرد آن گشوده است و هر شب هزار مرد پاسبان این قصر باشند: پانصد سوار و پانصد پیاده که از نماز شام بوق و دهل و کاسه می زنند و گرد می گردند تا روز و چون از بیرون شهر را بنگرند قصر سلطان چون کوهی نماید، از بسیاری عمارات و ارتفاع آن، چون از در سرای به درون شدم، عمارتها و صفه ها و ایوانها دیدم که اگر وصف کنم، به درازا کشد. دوازده قصر در هم ساخته، در هریک که می رفتی از دیگری نیکوتر بود، یکی از این جمله قصری بود..... و تختی به میان داشت..... شکارگاه و میدان و غیره بر آن تصویر شده و کتابتی به خط پاکیزه بر آنجا نوشته، اما از شهر هیچ نتوان دید، که باروی آن عالی است و گفتند که در این قصر دوازده هزار خادم اجری خواره است و زنان و کنیزکان خود که داند، الا آن که گفتند سی هزار آدمی در آن قصر است و آن دوازده کوشک است و این حرم را ده دروازه

است بر روی زمین و هر یک را نامی بدین تفصیل - غیر از آنکه در زیر زمین است - باب الذهب، باب البحر، باب السریح، باب الزهومه، باب السلام، باب الزبرجد، باب العید، باب الفتوح، باب الزلاقه؛ باب السریه» (ناصر خسرو، همان، ۷۴-۸۱) و از دیگر تغییرات صورت گرفته در رابطه با کاخ سازی در این دوره این بود که علاوه بر کاخ سلطان در مرکز شهر قصرهای دیگری برای سلطان در بیرون از محدوده شهر و در کنار رود خانه نیل ساخته شد. که به هنگام جشن، تفریح و شکار سلطان از آن استفاده می شد. ناصر خسرو در این رابطه می گوید «دو قصر به نامهای «لؤلؤ» و «جوهر» در کناره رود نیل بنیان کرده اند، چون آب نیل فزونی یابد و هنگام گشایش خلیج و دیگر نهرها فرا رسد، جشن می گیرند و مراسمی به نام «رکوب فتح الخلیج» برگزار می شود». ظاهراً برای اتصال قصر اصلی در قلب شهر به قصرهای بیرونی راهی مخصوص وجود داشته است که از زیر زمین داخلی قصر اصلی آغاز می شد. چنانچه ناصر خسرو در این رابطه می گوید «در زیر زمین دری است که سلطان سواره از آنجا بیرون رود و از شهر بیرون قصری ساخته است که مخرج آن رهگذر در آن قصر است» (همانجا). با توجه به موارد ذکر شده می توان گفت در دوره فاطمیان علاوه بر مسجد جامع کاخ های سلطنتی نیز با بنای عظیم و مهندسی شده در کانون و حاشیه شهر از کانون های مهم شهری بودند که مورد توجه قرار می گرفتند و بخش مهمی از فضای شهر را اشغال می کردند. از دیگر قصرهایی که در دوره فاطمیان ساخته شد می توان به قصر آمر اشاره کرد که در حوالی بین فسطاط و قاهره بنا شد (مقریزی، بی تا: ۱، ۴۸۳-۴۸۴).

مدارس: در مصر دوره اسلامی تا دوره فاطمیان آموزش بیشتر در مساجد انجام می شد. عمر بن خطاب با در نظر گرفتن این مسئله عبدالرحمن بن ملجم مرادی را که بعدها در جرگه خوارج قرار گرفت و قاتل امام علی (ع) شد. به عنوان معلم قرآن برای مردم مصر تعیین کرد او در مسجد جامع مصر به آموزش قرآن برای مسلمین می پرداخت. منزل او در نزدیکی مسجد به نام «دارالمالک الصغری» معروف بود (ابن دقماق، همان، ۶). در دوره فاطمیان مدارس بخش مهمی از فضای شهری را به خود اختصاص داده بودند، بطوریکه اولین مدارس آموزشی مستقل از مساجد در قسمت مرکزی شهر قاهره احداث شد بطوریکه بنای الازهر که ابتداء در سال ۳۵۹ق توسط جوهر به منظور مسجد جامع شهر احداث شده بود در سال ۳۷۸ق توسط العزیز و وزیر او یعقوب بن کلس با گسترش وسعت ارضی اش به یک مرکز مهم علمی تبدیل شد (چلونگر، همان، ۱۶۸) و علما در آنجا به امر تعلیم و تربیت مشغول بودند (الطیب سلیمان، ۱۴۰۲: ۷۴۹) و در دوره الحاکم نیز مدرسه دارالعلم در قاهره تأسیس شد و در کنار آن کتابخانه بزرگی نیز برای کتاب های شخصی خلیفه برپا گردید. و

علاوه بر آن کتابخانه دیگری نیز در قصر مرکزی قاهره وجود داشت که از آن به کتابخانه قصر یاد می شود (مقریزی، ۳۵۸/۱) و فضای عظیمی را در بر می گرفت بطوریکه دارای هیجده هزار جلد کتاب در درون آن بود این کتابخانه که در دوره المستنصر از بین رفته بود دوباره احیا شد (همان، ۴۰۹/۱). در این دوره در شهر اسکندریه نیز مدارس زیادی برای اهل تسنن تأسیس شده بود بطوریکه به دستور رضوان خلیفه فاطمی مدرسه ای برای ابن عوف از علمای مذهب تسنن در اسکندریه ساخته شد تا به تعلیم و تربیت عقاید خود پردازد (قلقشندی، بی تا: ۴۵۸/۱۰-۴۵۹).

باغ ها

ایجاد فضاهای سبز شهری که در واقع تصویری از بهشت موعود می باشد در اغلب شهرهای اسلامی خصیصه ویژه ای به آنها بخشیده است و اساساً باغسازی از عناصر اصلی شهرسازی اسلامی به حساب می آید و بخش مهمی از فضاهای باز و خالی در کاخها، مناطق مسکونی و شهرها به باغسازی اختصاص می یافت. چنانچه در شهر تازه بنیاد قطایع خماریه فرزند ابن طولون باغ بزرگی تأسیس کرد که دامنه آن به فضای بیرون از قصر گسترش پیدا کرد بطوریکه افراد نشسته هم می توانستند از میوه درختان مثمر آن بچینند. بسیاری از گیاهان در آن پیوند زده شده بودند و گل ها و گیاهان پیوندی فراوانی در آن باغ کاشته شده بود تنه درختان خرما در آن باغ با ورق های مسی پوشیده شده بودند و میانه درختان و پوشش فلزیشان شبکه آبیاری با لوله های سربی کار شده بود و از بالای درختان خرما مثل ناودان آب می ریخت و گل ها و گیاهان آبیاری می شدند (بلوی، ۱۹۸۰: ۵۳. مقریزی، همان: ۱۱۹/۲). در دوره اخشیدیان نیز بوستان بزرگی توسط کافر اخشیدی در قسمت اعظمی از اراضی بیرونی فسطاط بنا شده بود (کندی، ۱۹۷۱: ۲) که در دوره فاطمیان قصر غربی شهر که در مرکز شهر قرار داشت در مجاورت این بوستان بنا شده بود (ناصر خسرو، همان: ۶۲، ۷۹) ظاهراً بنای قصر غربی در مجاورت بوستان به علت جلا و زیبایی بخشی به قصر صورت گرفته بود. در قاهره نیز علاوه بر اینکه قصر سلطان مزین به باغهای زیبا بود در سرتاسر شهر باغچه ها و درختان زیادی فضاهای درونی و بیرونی را پوشش قرار می دادند و زیبایی خاصی به شهر می بخشیدند. باغها و بستانهای قصر خلفای فاطمی به وسیله سیستم آبیاری که تعبیه شده بود آبیاری می شدند (ناصر خسرو، همانجا).

اماکن عمومی: علاوه بر عناصر کلیدی شهر اسلامی در مصر، اماکن عمومی دیگری در شهرهای مختلف وجود داشت که یا عمدتاً یادگار دوران پیش از اسلام بود و یا در دوره پس از اسلام و بیشتر در شهرهای نو بنیاد اسلامی شکل گرفته بودند. اماکن عمومی عبارت بودند از مجموعه ای از میدانها، گرمابه ها، کاروانسراها و

بیمارستانها که عمدتاً در مرکز شهر و در جوار عناصر اصلی شهر اعم از مساجد، بازار و مدارس تأسیس می شدند و گروههای مختلف جامعه بنا به رفع نیاز و مقتضای خود برای رفع نیاز خود در آنجا تجمع می کردند. از مهم ترین اماکن عمومی کاروانسراها بودند که بخصوص بعد از ورود اسلام به مصر در بسیاری از شهرها تأسیس شد از جمله در شهر فسطاط زیرا با توجه به این که این شهر نقش مهمی در تجارت مصر بازی می کرد میزبان کاروانهای تجاری کثیری در این شهر بود بنابراین از همان قرن اول کاروانسراهای زیادی توسط والیان مصر در این شهر بنا شد که عمدتاً در جوار بازار تأسیس می شدند. در شهر قاهره نیز کاروانسراهای زیادی توسط جوهر تأسیس شدند (ناصر خسرو، همان، ۶۱-۶۴). حمام ها از دیگر اماکن عمومی در شهرهای تازه بنیاد اسلامی در مصر بودند بطوری که در فسطاط و قاهره حمامهای زیبایی ساخته شده بود ظاهراً طرح بنای حمام از رومیان اقتباس شده بود بطوریکه عمرو بن عاص به هنگام فتح اسکندریه از جمله بناهای این شهر که در نامه به عمر از آن تمجید کرد حمام های زیبای شهر بود (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۰: ۷۲ و ۸۰. خلیفه، ۱۳۸۷: ۱۳۷/۱. قدامه، ۱۹۷۹: ۳۴۰-۳۴۱). در دوره احمد بن طولون در فسطاط حمام هایی در کنار بیمارستان ابن طولون تأسیس شد (ابن ایاس، بی تا: ۵۵/۱) و در قاهره نیز در دوره معزالدین حمام های زیبایی تأسیس شده بود (ناصر خسرو، همانجا). فسطاط دارای ۱۱۷۰ قاهره نیز تا سال ۶۸۵ ق دارای ۸۰ حمام بود حمام های قاهره دارای اتاق استحمام، گرماخانه و وان بود که در آنجا مسئولان حمام خدماتی نظافتی نسبت به مشتریان ارائه می کردند. استحکام و زیبایی حمامهای قاهره دائماً زیانزد خاص و عام بوده است (ممدوح حمدی، ۱۹۶۹: ۲۹-۳۰). از دیگر اماکن مهم شهری که نقش حیاتی در شهرها ایفا می کرد بیمارستانها بود اولین بیمارستان در مصر توسط فتح بن خاقان وزیر متوکل عباسی در فسطاط تأسیس شد (زیدان، همان: ۶۰۸) و بعد از آن این طولون نیز در سال ۲۵۹ ق بیمارستان بزرگی در شهر تأسیس کرد (ابن ایاس، همانجا). که مخصوص بیماران عمومی و دیوانگان بود (ثقفی، ۱۳۸۱: ۶۴۵). در دوره فاطمیان نیز العزیز بالله بیمارستانی در قاهره در سال ۳۴۸ ق بنا کرد (مقریزی، خطط: ۴۰۷). گورستانها نیز از اماکن مهم شهری در مصر بودند گورستان مقطم توسط عمرو عاص برای مسلمین بنا شد. این امر به رغم اصرار مقوقس برای فروش آن به او به علت وصف باغهای بهشتی در کتب مسیحیان بود. عمرو بعد از مشورت با عمر و با دستور او مبنی براین که باغهای مسلمین به مؤمنان و مسلمانان تعلق دارد از فروش آن امتناع کرد و آن محل را گورستان مسلمین قرار داد که علاوه بر خود پنج تن از صحابه در آنجا مدفون هستند و نیز امام شافعی نیز در این گورستان مدفون بود (ابن عبدالحکم، همان، ۱۵۷) در دوره فاطمیان آرامگاهها توسعه زیادی یافتند به علت اهمیت دادن

فاطمیان به آرامگاههای خلفای خویش، آرامگاه تأسیس شده در فسطاط به آرامگاه قرافه معروف شد. که از کوه مقطم تا دروازه نصر قاهره توسعه زیادی یافت بطوریکه هر مجموعه ای از آرامگاههای مختلف شکل گرفت که مجموع آنها به علت داشتن گرمابه ها، مدارس و مساجد شهری در دل شهر بزرگتری می نمود و نیزی بازاری برای طالبان علم وجود داشت علاوه بر آرامگاه شافعی که و ابی اسحاق مروزی (مقدسی، همان: ۲۸۳/۱ و ۲۹۹) از آرامگاههای معروف قرافه بنا بر ترتیب بندی ابن جبیر می توان به موارد زیر اشاره کرد. ۱. مشاهدیشویان عالم و پارسا، ۲. مشاهد شهیدان ۳. مشاهد پیامبران، مشاهد اهل بیت ۴. مشاهد بانوان (ام کلثوم، بانوزینب، نفیسه دختر زید بن علی، مشهد ام عبدالله بن قاسم بن محمد)، ۵. مشاهد صحابه (معاذبن جبل، عقبه بن عامر و...) (ابن جبیر، بی تا: ۱۹-۲۲). مایور یکی از پژوهشگران تاریخ مصر در مشاهدات خود در این باره می نویسد: «هر مقبره به صورت مسجدی کوچک است، خانه ای کوتاه در میان یک چهار دیواری. از دور، گنبدها بر آرامگاه خلفا، سلاطین و بزرگان دینی نشان نهاده اند. انزوا و آرامش محل، بیشتر مقبول طبع زهاد بوده تا عیاران و بیشتر مناسب اعمال عبادی بوده تا هماغوشی های پنهان. در واقع گورستان قرافه به طور دایم و بویژه محلی است که زنان به زیارت آن میل وافر دارند از ده قرن پیش تنها پایتخت اسلامی که در آن زنان به صورت انبوه برای رفتن به گورستان از خانه خارج می شوند، شهر قاهره است به هنگام زیارت اموات که روزهای جمعه نیز در اعیاد مهم مذهبی انجام می شود، زنها، همچنان به صورت انبوه به قرافه می روند» (مایور، ۱۳۸۸: ۲۱۳). چنانچه پیشتر ذکر شد در دوره فاطمیان برای قداست بخشیدن به این آرامگاهها در کنار آن مسجد جامعی به نام مسجد جامع «الحاکم» تأسیس شد. و نیز آرامگاه دیگری در آثار باستانشناسی اسلامی مصر بدست آمده که نشان می دهد بر بالای گور ابوالفضل جعفر از خاندان بنوفرات از وزاری دوره طولونیان بنا شده است (آرس اورینتالیس، ۱۳۹۵: ۱۸).

دژ شهر

در حقیقت هدف اولیه توسعه شهری در مصر بعد از فتح این سرزمین با اهداف نظامی صورت می پذیرفت که این مسئله نشأت گرفته از اندیشه عمر خلیفه دوم بود. عمر اعتقاد داشت که اعراب باید با حفظ هویت نظامی و جهادی خود سرزمین های کفر را فتح و اسلام را گسترش دهند و نباید وارد کارهای یدی و کشاورزی بشوند چون این مسئله باعث دوری آنها از سپاهگیری شده و ادامه فتوحات با مشکل مواجه می شود. او برای نظامیان عرب ارزش زیادی قائل بود و دیوان جند را برای ثبت نام غازیان مسلمان به منظور تقسیم غنائم میان آنها به وجود آورد. (ابن کثیر، ۱۴۰۹: ۷، ۱۴۰: ۱۴۰) دستور ساخت شهرهای اسلامی با هویت نظامی برای اسکان

سپاهیان نیز برای تحقق همین هدف و به همین منظور قلمداد می شد که نمونه آن ساخت شهرهای کوفه و بصره بود. شهر فسطاط نیز که در ابتداء با همین هدف ساخته شده بود اهداف نظامی مهمی را برای فاتحین تأمین می کرد. هر چند در نگاه نخست به نظر می رسد هدف اول تهاجمی بود، یعنی تمرکز لشکریان در یک مکان مخصوص با امکانات رفاهی جهت ادامه فتوح بعدی در سایر سرزمین های مجاور مصر و هدف دوم که تدافعی بود آمادگی آنها برای مقابله با تهاجم احتمالی رومیان که سرزمین مهمی را از کف داده بودند. در راستای برآورده کردن هدف اول نیاز به توسعه فضای شهری زمانی بیشتر شد که نیروهای جنگی تازه موسوم به مغازی و یا مطوعه از مدینه راهی مصر شده بودند تا در عملیات فتوحات بعدی شرکت کنند. عمرو بن عاص به همین منظور دژ جیزه را در قسمت غربی نیل در نزدیکی محل استقرار بزرگترین اهرام مصر به وجود آورد. این منطقه علاوه بر این که مسکن قبیله همدان بود ظاهراً بخشی از نیروهای مطوعه نیز در این منطقه ساکن شدند. (مقریزی، همان، ۲۸۷). بنابراین می توان گفت برخی از شهرها در بدو تأسیس شان در مصر به منظور اسکان موقت بود. ساختار شهری دژ-شهرها در ابتدا بسیار نامنظم و بدون برنامه ریزی بود به همین علت دارای کوچه ها و معابر بسیار تنگ بودند. اما به تدریج این شهرها رو به توسعه گذاشتند و با بناهای متعددی که در آنها صورت گرفت گسترش یافتند. چنانچه علاوه بر فسطاط شهر جیزه نیز به تدریج از صورت یک شهر نظامی بیرون آمد و توسعه پیدا کرد چنانچه در دوره اخشیدیان کافور اخشیدی مسجد جامع بزرگی برای اقامه نماز جمعه در جیزه ساخت. (مقریزی، همان، ۱، ۵۷۷). علاوه بر این در این دوره دژهای برخی از شهرهای دوران رومی نیز به علت حملات مداوم رومیان تعمیر شد که نشان از اهمیت دژ برای شهرها دارد کارکرد نظامی شهر را می رساند در دوره امارت عنبسه بن اسحاق بر مصر در سال ۲۳۸ق رومیان با هشتاد و پنج کشتی به دمیاط حمله برده و تعداد زیادی از مسلمین را کشته و گروهی از زنان و کودکان را به اسیری گرفتند. پس از رفتن رومیان متوکل عباسی امر به ساختن حصار شهر و ایجاد یک نیروی دریایی برای مقابله با حملات احتمالی رومیان کرد. (مقریزی، همان، ۵۹۹) اشاره مقدسی به وجود رباطهای فراوان در اطراف شهر دمیاط (مقدسی، همان: ۲۰۳) که محل استقرار نیروهای نظامی مرزدار بود ظاهراً نشان دهنده حملات مکرر رومیان به این شهر در طول سده های مختلف بوده و این رباطها برای مقابله با حملات آنها ساخته شده بود. ساخت حصار و باروی شهر تنیس نیز که در سال ۲۳۰ق توسط عیسی بن منصور والی مصر در دوره واثق عباسی شروع و در دوره متوکل عباسی به پایان رسید به احتمال قوی برای مقابله با تهاجم رومیان بوده است. (حموی، همان، ج ۲، ۵۱). تحولی که در دوره فاطمیان در دژسازی اتفاق افتاد این بود که دژسازی و حصار

بندی شهر جای خود را به بناها، قصرها و کاخهای مرتفع داد که نیازی به حصاربندی شهرها نباشد چنانچه ناصرخسرو در این باره می گوید: «شهر قاهره بارو ندارد که بناها چنان مرتفع است که از بارو قوی تر و عالی تر است» (ناصرخسرو، ۷۴-۸۸) ظاهراً به جای ساخت یک باروی یکدست در اطراف شهر بنای دروازه های متعدد در اطراف شهر به صورت مستحکم و با داشتن برجهای نگهبانی خلأ بارو را پر می کرد. دروازه های مستحکم قاهره که به مثابه حصار شهر بودند عبارت بودند از: باب الفتح، باب الزویله، باب النصر، باب القراطین، باب الفرج، باب البرقیه، باب المحروق و باب التوفیق. حصارهای ساخته شده در دوران جوهر در دوره وزارت بدرالجمالی (۶۶۶-۴۸۷ق) از بین رفتند (موسوی، بیاتلو، نورمحمدی، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۸). به همین علت وی برج های مستحکم نگهبانی در مجاورت دروازه های زویله، باب النصر و باب الفتوح در قسمت های جنوبی و شمالی شهر بنا کرد (مقریزی، همان: ۹۶/۲).

نتیجه

می توان گفت شهرسازی اسلامی در مصر با ساخت دژ-شهرها آغاز و در ادامه رو به سوی تکمیل نهاد. دژشهرهایی مانند فسطاط و جیزه صرفاً براساس نیازمندیهای فوری برای اسکان نظامیان برپا شدند اما به تدریج فسطاط به لحاظ کالبدی رشد پیدا کرد و در این شهر بازارها، مساجد، گورستانها، کاخها و حمام های متعددی شکل گرفت. هر چند مساحت کوچه ها و معابر عمومی آن اندازه گیری نشده بود و برآمد این امر وجود خانه ها و محله های متمرکز در کنار هم، معابر و کوچه های تنگی بود. اما در عوض شهر به علت گسترش و جمعیت زیادی که در آن ساکن شده بود دارای بازارهای بزرگ بود که در طول دهه ها رشد و توسعه پیدا کرده بود و موقعیت تجاری شهر زبان زد جغرافیایانویسان بود. با ساخت عسکر و قطایع که براساس طرح شهری سامرا بنا شده بود شهر اسلامی در مصر تاحدودی از حالت متمرکز بیرون آمد و از حالت فشرده شهری به حالت نیمه فشرده متحول شد. زیرا در شهرهای جدید بخصوص قطایع مناطق و فضاهای شهری به ساخت قصرها و مساجد بزرگ و باعظمت اختصاص پیدا کرد و هم چنین امرای طولونی و اخشیدی با ساخت بیمارستانها، حمام ها و کاروانسراها و محلات متعدد به صورت قطایع و بوستاهای زیبا در قلب شهر باعث رشد، توسعه و شکوفایی شهر شدند. نقطه عطف تحول شهرسازی اسلامی در دوره فاطمیان اتفاق افتاد در این دوره جوهر فرمانده با درایت فاطمی با تأسیس قاهره سیر تحول شهرسازی در مصر را گسترش داد. قاهره که با بافتی مربعی و براساس برنامه ریزی منظم شکل گرفته بود هریک از عناصر شهری اعم از مساجد، میدانها، مدارس، کاخها، محله ها و.... را در کالبد خود جای داد. در این دوره مساجد متعددی در شهر اعم

از مسجد الحاکم و مسجد الازهر شکل گرفت و مساجدی نیز در مجاورت گورستان قرافه شکل گرفت و نیز تعداد کاخها نیز نسبت به قبل افزایش یافت بطوریکه علاوه بر کاخهایی که در وسط شهر بنا شده بود کاخهایی مانند «لؤلؤ» نیز در بیرون شهر شکل گرفت که به هنگام جشن ها متعدد از آنها استفاده می شد. علاوه بر آن مراکز تعلیمی همچون دارالعلم و کتابخانه های نیز در شهر گسترش پیدا کرد و حمام های متعددی نیز در شهر با کمک امرای فاطمی بوجود آمد و نسبت محله های شهری نیز به علت مهاجرت قبایل متعدد مانند قبایل زویله، کتامه، مسموده و ... که به همراه جوهر فرامانده فاطمی از مغرب به مصر مهاجرت کرده بودند و در مناطق مختلف قاهره ساکن شده بودند افزایش پیدا کرد. ساخت بیمارستان توسط العزیز از دیگر بناهای شهر بود که به توسعه و گسترش فضای آن منجر شد. در این دوره دروازه های متعددی نیز در شهر ساخته شدند که نسبت به دوره قبل تازگی داشت. این دروازه ها عبارت بودند از: باب النصر، باب الفتوح، باب القنطره، باب الزویله و باب الخلیج به نظر می رسد بنای این دروازه ها در اطراف شهر اولاً نشان از یک برنامه ریزی شهری برای تسهیل و کاستن از فشردگی عبور و مرور در شهر توسط اهالی و مردم سایر نقاط اعم از تجار، بازرگانان، علما، محدثین داشت که به طور مداوم در قاهره تردد می کردند و ثانیاً هر یک از این دروازه ها در نزدیکی اماکن مهمی قرار داشت که فاطمیان در موقعیت های مختلف اعم از جشن ها، اعیاد و عزاداریها برای رفتن به آن اماکن از این دروازه ها استفاده می کردند بطوریکه نامگذاری دروازه خلیج نشان از این داشت که از این دروازه برای رفتن به جشن خلیج که هر ساله به مناسبت بالا آمدن نیل در قصر های کنار نیل برگزار می شد استفاده می شد و نیز از باب النصر برای رفتن به زیارتگاههای فاطمیان که در نزدیکی این مکان قرار داشت استفاده می شد. بنابراین در مجموع می توان گفت ساخت بناهای متعدد در دورن کالبد شهر در مصر در دوره های مختلف باعث متحول شدن آن شد.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن ایاس، محمد بن احمد (بی تا)، البدایع الزهور فی الوقایع الدهور، تحقیق مصطفی محمد، قاهره، مکتبه مدبولی.

ابن دقماق، ابراهیم بن محمد بن ایدم العلابی (بی تا) الانتصار لولاسطه عقدا لمصار، بیروت، دارالافاق الجدیده.
ابن تغری بردی (بی تا) جمال الدین ابی المحاسن یوسف، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، مصر، وزارت الثقافه و الارشاد.

- ابن جبیر، محمد بن احمد (بی تا)، رحله، الشركه العالمیه للكتاب، بیروت
- ابن خلکان، شمس الدین احمد (بی تا)، وفيات الاعیان، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸)، العبرودیوان المبتداء والخبر، بیروت، دارالعلمی.
- ابن عبدالحکم، ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله (۱۹۲۰)، فتوح المصر واخبارها، لیدن.
- ابن کثیر، ابوالوفا حافظ (۱۴۰۹)، البدايه و النهايه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی
- اتینگهاوزن، ریچارد، گرابار، الگ (۱۳۷۸)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سمت.
- الطیب سلیمان، نعمان (۱۴۰۲)، المدارس فی العهد الايوبي بمصر، الازهر، الجزء ۵.
- افشار، مهدی (۱۳۸۶)، «شهر نشینی در جهان اسلام» همایش مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه های توکیو، ترجمه مهدی افشار، تهران، نشر دفتر پژوهش های فرهنگی.
- امین، آرمین دخت، جان احمدی، فاطمه، شعبانی، رضا (۱۳۹۶)، «تفاوت های زیست محیطی و ساختار شهری فسطاط و قاهره»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال نهم، ش ۳۴.
- اهلرز، اکارت (۱۳۷۴)، «موقوفات دینی و شرق اسلامی»، مترجم مصطفی مؤمنی و محمدحسن ضیاءتوانا، فصلنامه تحقیقات جغرافیا، ش ۱۰.
- اورینتالیس، آرس (۱۳۹۵)، «اولین بناهای یاد بود اسلامی»، مجله علمی ترویجی اثر، شماره ۲۶ و ۲۷.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۳)، شهرهای اسلامی در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا، تهران، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- بلوی، ابومحمد عبدالله بن محمد (بی تا)، سیره ابن طولون، به کوشش محمد کردعلی، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة.
- بیگلری، اسفندیار (۱۳۵۵)، «بازارهای ایران»، مجله هنر و معماری، ش ۱۶۲.
- بلاذری، احمد بن محمد بن یحیی (۱۴۰۴) فتوح البلدان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ثقفی، سید محمد (۱۳۸۱)، «تطور علوم طبیعی، درسهایی از مکتب اسلام»، سال ۴۲، ش ۹.
- چلونگر، محمدعلی (۱۳۹۰)، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، مترجمین حسین حاتمی نژاد عزت الله مافی، تهران، نشر نیکا.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۴۱۹)، کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، بیروت، دارالفکر.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۹)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.

- شافعی، فریدمحمود (۱۹۷۰)، العماره العربیه فی مصر الاسلامیه، قاهره.
- سجادی، جنگی، صفامقدم، ژیلا، حسن، فاطمه (۱۳۸۹)، «تغییر عناصر شهرهای اسلامی در گذار به شهرهای مدرن»، فصلنامه اندیشه جغرافیایی، س ۴، ش ۸.
- سمهودی، نورالدین علی بن احمد (۱۳۷۶)، اخبار مدینه، خلاصه الوفاء باخباردار مصطفی، تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران، مشعر.
- سیوطی، جلال الدین (۱۲۹۹)، حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهره، مصر، مطبعه اداره الوطن.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، قم، کتابخانه مرعشی نجفی.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۸۱)، سفرنامه، تهران، انتشارات زوار.
- قدامه بن جعفر، ابوالفرج (۱۳۷۰) کتاب الخراج، ترجمه و تحقیق حسین قره چانلو، تهران، نشر البرز.
- کندی، محمد بن یوسف (۱۹۵۸) تاریخ ولاء وقضات، بیروت، موسسه الکتب الثقافیه.
- عنان، محمد عبدالله (۱۳۸۸)، مصر الاسلامیه و تاریخ الخطط المصریه، قاهره، مکتبه خانجی.
- مایور، کاترین (۱۳۸۸)، گنبدها و مناره های مصر، ترجمه ابوالحسن سرومقدم، مشکوه، شماره ۶۰.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۱۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، قاهره، مکتبه المدبولی.
- مقریزی، تقی الدین ابی العباس احمد بن علی (بی تا) المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیّه.
- ممدوح حمدی، احمد (۱۹۶۹)، حمامات القاهره ایام الزمان، المجله، العدد ۱۴۸.
- موسوی، سیدجمال، بیاتلو، حسین، نورمحمدی، محمد (۱۳۹۳)، «حصارها و دروازه های قاهره از بنیان تا پایان دوره صلاح الدین ایوبی»، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۲۰.
- ویت، گاستون (۱۳۵۶)، قاهره شهر هنر و تجارت، ترجمه محمود محمودی، تهران، علمی و فرهنگی.
- نزار، الصیاد (۱۳۸۷)، مدل سازی شهرهای سنتی اسلامی، ترجمه مریم قیومی، گلستان هنر، ش ۱۴.
- یاقوت حموی، شیخ شهاب الدین ابی عبدالله (۱۴۱۰)، معجم البلدان، بیروت، دار بیروت.

The evolution of urbanization in Egypt from the entrance of Islam to the end of the Fatimids

Mohammad Mohammadpour¹- Fatemeh John Ahmadi²
Abbas Boroumand Alam³- Maghsoud Ali Sadeghi⁴

Abstract:

Since the main issue in this study was to study the evolution of urban development in Egypt until the end of the Fatimids, it sought to answer the main question of what was the context of urban development in Egypt during the Islamic period. The research findings based on the descriptive-analytical method show that one of the major developments that Islam brought to Egypt was in the field of urban planning and considering the build of various cities in Egypt in different periods such as Faostat, Askar, Qataye and Cairo, various elements such as mosques, neighborhoods, Dar-al-emarah (government building), schools, baths, hospitals, gardens and public places were built in these cities. Moreover, we are witnessing the formation of deities like Giza. However, the urban elements built in Fustat emerged linearly in the immediate vicinity of the Nile due to the urgent need for military settlement resulting in intensive residential areas, narrow passages, and small government houses. But with the construction of new areas of "al-Qataye" and "al-Askar" during the Abbasid and Talonyan periods, the city's physical density was somewhat reduced and the city expanded so that during various periods, markets and mosques, hospitals, gardens, and other physical elements of the city were formed in city by the Tolooni and Ekhshidy rulers. The turning point of Islamic urbanization occurred during the Fatimid era. During this period, Jowhar, Fatimid commander, with the help of engineers and experts, build a solidly and well designed city, called Cairo, to suit the caliph and his harem, the army and the warlords. Amongst the chenges created during this period, In addition to the wide alleys and streets of the city, there are numerous mansions, large baths, inns, markets, neighborhoods, and mosques, each of which was in a higher level of Beauty and breadth in comparison to the urbanization in the past periods.

Keywords: Fustat, Cairo, Egypt, Islamic Urbanism.

¹ .PH.D. candidate of History of Islam at Tarbiat Moalem University. m.mohammadpoor@modares.ac.ir

² . Associate Professor of History at Tarbiat Moalem University (auther in charge)

f.janahmadi@modares.ac.ir

³ . Associate Professor of History at Tarbiat Moalem University

abroomanda@yahoo.com

⁴ . Associate Professor of History at Tarbiat Moalem University.

msadeghi@modares.ac.ir